

## تبیین جامعه‌شناختی وضعیت اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر دهدشت)

سید صمد بهشتی<sup>\*۱</sup>  
احسان کهنسال خوب<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۶

### چکیده

اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، شالوده‌ی روابط اجتماعی است و در ادبیات علوم اجتماعی در قالب ابعادی چون «اعتماد بنیادی»، «اعتماد بین‌شخصی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» و «اعتماد نهادی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این سخن‌شناسی می‌توان گفت ابعادی چون اعتماد بین شخصی بیشتر در جوامع سنتی غالب می‌باشد، در حالی که، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی از ملزومات جوامع مدرن است.

در پژوهش حاضر که با استفاده از روش تحقیق کمی و شیوه پیمایش با ابزار پرسشنامه انجام شده است وضعیت اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر دهدشت (به‌عنوان شهری در حال گذار) بررسی شده است. تعداد نمونه این تحقیق ۳۸۲ نفر بوده که به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق که با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که در مجموع اعتماد اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است و اعتماد بین‌شخصی افراد از اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی بالاتر است. همچنین، یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی دارد در حالی که، احساس انومی و احساس محرومیت تأثیر معکوس و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی نشان داده‌اند. همچنین، اگرچه پایگاه ذهنی به‌صورت مستقیم بر اعتماد اجتماعی تأثیر معنی‌داری نداشته است، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق احساس محرومیت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی نشان داده است.

**کلید واژه‌ها:** اعتماد اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، کهگیلویه و بویراحمد.

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

۲- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

\*: نویسنده مسئول

### ۱. طرح مسئله

از آنجاکه اعتماد به‌عنوان مکانیسمی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناختی، نقش مهمی در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی ایفا می‌کند، یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که جوامع امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اعتماد به‌عنوان تسهیل‌کننده روابط اجتماعی، شالوده‌ی زندگی است. در مقابل، بی‌اعتمادی سرچشمه‌ی بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها است و پیامدهای زیادی را به‌دنبال دارد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴).

به‌طور کلی، می‌توان اعتماد را در قالب اشکالی چون اعتماد خاص‌گرایانه<sup>۱</sup> و اعتماد عام‌گرایان<sup>۲</sup> که بر طرح گسترده و شعاع اعتماد مبتنی است تقسیم کرد. چنین دیدگاهی در درجه‌ی نخست بر این فرض مبتنی است که خصلت مرکزی اعتماد رابطه‌ای بودن آن است که متضمن نوعی فرآیند و پیوستار است (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۲۰۹).

در جوامع سنتی که قلمرو زندگی محدود است، فرد اغلب به خانواده و گروه‌های محلی و در یک کلام به خودی‌ها اعتماد می‌کند. در حالی که در جوامع جدید که هویت‌های محلی و قومی جای خود را به هویت‌های ملی و حتی فراتر از آن داده‌اند و تمایزپذیری و تفکیک نقش‌های اجتماعی به‌شدت گسترش یافته است، افراد نیازمندند که دامنه‌ی اعتماد خود را از سطح پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و گروه‌های نزدیک محلی به کلیه‌ی شهروندان و حتی بیگانگان وسعت بخشند (وئوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در شرایطی که کنش‌های اجتماعی از حد دوستان و آشنایان فراتر رفته و به تعامل با کنشگران ناآشنا تعمیم یافته است، باید دایره‌ی اعتماد را فراتر از دوستان، خویشان و آشنایان ترسیم کرد و با اعتماد به نهادها، سازمان‌های انتزاعی و ساختارهای غیرشخصی، زمینه‌ی خودآگاهی افراد و توجه به ارزش‌های عام را فراهم کرد (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۸).

از دید برخی از صاحب‌نظران، شواهد بسیاری مبنی بر کاهش اعتماد اجتماعی در روابط کنشگران جامعه‌ی ایران وجود دارد. برآیند کلی پژوهش‌های صورت گرفته در ایران که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی در حد متوسط و یا در حال فرسایش می‌باشد. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد اگرچه اعتماد در سطح بنیادی، بین شخصی و گروهی تا

1. particularistic trust  
2. universalization trust

حدودی بالا می‌باشد، ولی اعتماد در سطوح سیاسی، نهادی و عام که به‌نوعی می‌توان گفت ضرورت جامعه‌ی امروز است، پایین می‌باشد (کتابی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۹).

نتایج پژوهشی در مورد ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰)، نشان داده است که به‌طور کلی بی‌اعتمادی در بین افراد جامعه حاکم است. همچنین، نتایج این پژوهش در سال ۱۳۸۲ حاکی از آن است که میزان اعتماد مردم به کسانی که نمی‌شناسند یعنی همان اعتماد تعمیم‌یافته بسیار پایین است (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸: ۴۹).

همچنین، نتایج حاصل از پیمایش ملی سرمایه‌ی اجتماعی (۱۳۹۳)، برآیند مثبتی از سرمایه‌های اجتماعی در ایران نشان نمی‌دهد. به‌طوری‌که، در ارزیابی ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی نزد مردم، ۶۰/۶ درصد افراد عنوان کرده‌اند که ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری منفی مانند دروغ‌گویی، تظاهر و دورویی، فریب و تقلب، قانون‌گریزی و ... نزد مردم بالا می‌باشد. ۵۴/۴ درصد افراد نیز عنوان کرده‌اند که چنین ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری منفی نزد مسئولان رواج بالایی دارد (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۸-۴۴). همچنین، نتایج پیمایش شیوع آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که مردم شیوع مسائل و آسیب‌هایی مانند بی‌اعتمادی اجتماعی، دورویی و ریاکاری، رشوه‌گیری، اختلاس، پارتی‌بازی و باندبازی، بی‌انضباطی و رفتار خلاف قانون و ... را بالا می‌دانند. طبق نتایج حاصل از این پیمایش، ۵۴ درصد افراد وجود بی‌اعتمادی در جامعه را بالا ذکر کرده‌اند.

استان کهگیلویه و بویر احمد نیز از جمله استان‌هایی است که نتایج تحقیقات در این استان حاکی از پایین بودن سرمایه‌های اجتماعی و از جمله اعتماد اجتماعی است. براساس تحقیقات انجام شده، این استان از نظر میزان سرمایه‌ی اجتماعی، در بین استان‌های کشور رتبه‌ی ماقبل آخر را داشته است (سعادت، ۱۳۸۶: ۱۸۸؛ به نقل از حیدری، ۱۳۹۳: ۸۱).

همچنین، طبق نتایج حاصل از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در استان کهگیلویه و بویر احمد (۱۳۹۴)، در ارزیابی ویژگی‌های اخلاقی مردم، ۷۰/۲ درصد افراد رواج دروغ‌گویی در میان مردم را بالا ذکر کرده‌اند، ۶۰/۸ درصد افراد دورویی و تظاهر را بالا می‌دانند، ۶۴/۹ درصد افراد تقلب و کلاهبرداری و ۵۴/۱ درصد افراد زرنگی و فرصت‌طلبی را بالا ذکر کرده، معتقدند که بیشتر مردم اگر موقعیتی گیرشان بیاید سر همدیگر کلاه می‌گذارند. چنین نگرش‌هایی می‌توانند منجر به اضطراب‌ها و کشمکش‌هایی شده، موجب شوند شعاع اعتماد افراد بیشتر محدود به دوستان و آشنایان شود.

در تحقیق حاضر به بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن در شهر دهدشت (از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد) پرداخته شده است. شهر دهدشت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد و مرکز شهرستان کهگیلویه، علیرغم تغییرات و دگرگونی‌هایی در زمینه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شکل‌گیری تعاملاتی خارج از محورهای خویشاوندی، به دلایلی از جمله پیشینه‌ی عشایری بعضی از ساکنین شهر، تنوع طایفه‌ای، شهرگرایی بی‌رویه از روستاهای اطراف بدون توجه به ملزومات شهرنشینی و غیره، چهره‌ی شهری در حال گذار را به نمایش گذاشته است. چنین ترکیبی از عوامل مدرن و سنتی می‌تواند به شکل‌گیری پیچیدگی‌های اجتماعی منجر شود و بر مناسبات افراد تأثیرگذار باشد. از جمله‌ی این مناسبات اعتماد اجتماعی است که هدف بررسی تحقیق حاضر می‌باشد؛ بنابراین، در این تحقیق، پاسخ به سؤالات زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی) در بین شهروندان دهدشتی چه وضعیتی دارد؟  
 مشارکت اجتماعی، تصور از پایگاه اجتماعی (پایگاه ذهنی)، احساس انومی و احساس محرومیت چه تأثیر بر اعتماد اجتماعی دارند؟

## ۲. مبانی نظری

در ادبیات جامعه‌شناسی به سه شکل اعتماد اشاره شده است. اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی (خاص) و اعتماد عام یا تعمیم‌یافته. اعتماد بنیادی اعتمادی است که به عقیده‌ی اریکسون در مراحل اولیه‌ی زندگی انسان شکل می‌گیرد و افراد متناسب با محیط پیرامون خود و نحوه‌ی جامعه‌پذیری، رفته‌رفته نسبت به جهان اعتماد لازم را کسب کرده و یا نسبت به آن بی‌اعتماد می‌گردند. اعتماد بین شخصی، اعتماد فرد به نزدیکان خویش و مبتنی بر روابط چهره به چهره می‌باشد. مانند اعتماد در حوزه‌ی تعاملات میان دوستان، همکاران، افراد خانواده و غیره؛ و اعتماد عام یا تعمیم‌یافته را می‌توان حسن‌ظن فرد نسبت به دیگر افراد جامعه فارغ از تعلق آن‌ها به گروه‌های خاص تعریف کرد (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۲).

به عقیده‌ی دورکیم، نظام اخلاقی یک ملت نشان‌دهنده‌ی خلق‌وخوی و طرز تفکر آن ملت و شرایطی است که در آن می‌زید و از رهگذر همان جامعه‌ای ساخته می‌شود که

ساختار آن به این ترتیب عیناً در آن باز می‌تابد. وی معتقد است که اشکال مختلف همبستگی در یک جامعه که خود مورد تأیید افکار عمومی آن جامعه می‌باشد، به گونه‌ای خودکار اندیشه و رفتار مناسب را در افراد تولید می‌کنند. هنگامی که ساختارهای گوناگون در سازگاری طبیعی باشند، سلامتی و بهنجار بودن متداول است. آسیب‌شناسی و بحران هنگامی رخ می‌دهد که ساختارها منظم نباشند، به خصوص در دوره انتقالی میان دو صورت که در این مدت صور نامناسب به صورت بقایا می‌مانند یا از میان می‌روند، ولی هنوز صور مناسب جایگزین آن‌ها نشده‌اند (له‌مان، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۸).

به عقیده‌ی وی، رشد فعالیت‌های اقتصادی، شهرگرایی، فردگرایی، تخصص‌گرایی و غیره، موجب سستی یا از میان رفتن مکانیزم‌هایی شده‌اند که سابقاً موجب پیوند فرد به جمع بوده‌اند و این مسئله به نوبه‌ی خود موجب تضعیف اعتماد اجتماعی شده است. وی معتقد است که در چنین شرایطی، وجود گروه‌های حرفه‌ای که افراد را در ارتباط شخصی و نزدیک با یکدیگر قرار می‌دهند، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت پیوندهای اجتماعی و در نتیجه اعتماد متقابل باشد (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸: ۵۳).

به اعتقاد گیدنز، در دوران مدرن تحت تأثیر سه نیروی پویای مدرنیت تحت عنوان جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های از جا کنده‌گی و بازاندیشی نهادی، زمینه‌های سنتی اعتماد مانند خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت کمرنگ شده‌اند. وی ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نهادهای تخصصی می‌داند (حیدری، ۱۳۹۳: ۸۹). گیدنز در سطح فرافردی از اعتماد متقابل تعمیم‌یافته بحث می‌کند. به نظر وی، برخلاف جوامع سنتی که مرزهای میان آشنایان و غریبه‌ها کاملاً مشخص است و اعضای جامعه نسبت به اصول اساسی بی‌تفاوتی مدنی بیگانه‌اند، در جامعه‌ی مدرن مراعات بی‌تفاوتی مدنی موجب تعمیم و تقویت اعتماد متقابل میان مردمی می‌شود که یکدیگر را نمی‌شناسند (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۱۲-۲۱۳). وی معتقد است که در جامعه‌ی مدرن استدلال عقلانی جای سیستم خویشاوندی و اجتماع محلی را گرفته است و برای بقاء زندگی در چنین جهانی به اندیشه‌ی تعمیمی (اعتماد عام یا تعمیم‌یافته) نیاز است (کتابی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

پاتنام از اعتماد به عنوان منبعی اخلاقی یاد می‌کند و آن را متضمن پیش‌بینی رفتار کنشگر مستقل می‌داند. او این پیش‌بینی را در جوامع کوچک و به هم پیوسته «اعتماد صمیمانه» می‌نامد؛ یعنی اعتمادی که به آشنایان نزدیک یا «فرد» بستگی دارد. اما در

جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

به نظر رابرت پاتنام، اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله‌ی متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. به عقیده‌ی وی، در جوامعی که مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر در طی یک دوره‌ی زمانی نیز به‌نوبه‌ی خود توسعه‌ی یک هنجار معامله‌ی متقابل عمومی را به‌دنبال دارد. از سوی دیگر، روابط اجتماعی مداوم نیز می‌تواند انگیزه‌هایی را برای قابل‌اعتماد بودن ایجاد کند (ظهیری‌نیا و نیک‌خواه، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۴۰).

به عقیده‌ی وی، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه سرمایه‌ی اجتماعی‌ای تولید می‌کند که به‌واسطه‌ی آن مبادلات مدنی بر مبنای اعتماد به بقیه‌ی مردم جامعه بنا می‌شود. وی معتقد است که شبکه‌های مدنی با کارکردهایی از جمله کاهش هزینه‌های بالقوه‌ی عهدشکنی، به خطر انداختن فرصت‌طلبی، تقویت هنجارهای مقابله به مثل، بهبود جریان اطلاعات و غیره، می‌توانند به‌عنوان چارچوبی فرهنگی برای همکاری آینده عمل کنند (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۸).

همچنین، پاتنام معتقد است که افراد برخوردار از منابع نسبت به افراد فاقد منابع، از اعتماد بیشتری برخوردارند. که شاید به این خاطر باشد که دیگران با افراد دارای منابع، با صداقت و احترام بیشتری رفتار می‌کنند. از این دیدگاه، اعتماد اجتماعی حاصل تجربه‌های زندگی است و کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی دارند نسبت به کسانی که از فقر، بیکاری، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، دارای اعتماد بیشتری هستند (وثوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

به عقیده‌ی اینگلههارت، سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد نظام ساختار موجود را نپذیرفته و دچار حالت آنومی یا بیگانگی اجتماعی شود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و در نهایت، اعتماد به یکدیگر، همگی به هم وابسته بوده نشان‌های نگرش مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌دهند (قدیمی، ۱۳۸۶: ۳۳۶).

زتومکا<sup>۱</sup> اعتماد را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماع اخلاقی، با فرهنگ پیوند داده و اصطلاح «فرهنگ اعتماد» را مطرح می‌کند. این اصطلاح دربرگیرنده‌ی هنجارها، قواعد هنجاری، ارزش‌ها و تجاربی در مورد اعتماد است که به شکل‌گیری چنین فرهنگی کمک می‌کنند. نقض و تخطی از فرهنگ اعتماد و عدم تحقق اعتماد پیش‌بینی‌شده، فرآیند جامعه را به سمت ایجاد فرهنگ بی‌اعتمادی سوق می‌دهد. وی پنج وضعیت ساختاری کلان را در ایجاد فرهنگ اعتماد یا بی‌اعتمادی موردتوجه قرار داده است. ۱- همبستگی هنجاری در مقابل هرج‌ومرج هنجاری (آنومی) یا به تعبیر دورکیم نابسامانی اجتماعی؛ ۲- پایداری نظم اجتماعی در مقابل تغییر بنیادی آن؛ ۳- شفافیت سازمان‌های اجتماعی در مقابل متضاد آن، رازداری گسترده‌ی سازمان (عدم گردش اطلاعات)؛ ۴- آشنایی یا بیگانگی با محیطی که مردم در آن دست به کنش می‌زنند و ۵- پاسخگویی نهادها به مردم در مقابل متضاد آن، خودسری و عدم مسئولیت‌پذیری در جامعه. این پنج عامل ساختاری به عقیده‌ی زتومکا فرصت‌های هدایت‌کننده‌ای را برای فرهنگ اعتماد یا بی‌اعتمادی فراهم می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶).

### ۳. مروری بر پیشینه‌ی تحقیق

#### ۳-۱. تحقیقات داخلی

اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، به این نتایج دست یافته‌اند که در جامعه شهری زنجان، منابع اعتماد همان منابع دوران پیش از مدرن یعنی منابعی همچون سنت، نظام‌های خویشاوندی، مذهب و اجتماع محلی است و افراد فرصت کسب دیگر انواع اعتماد (اجتماعی، مدنی) را نداشته‌اند و اعتماد به نظام‌های انتزاعی و مجرد به‌عنوان وسیله‌ی تثبیت روابط هنوز در چنین جامعه‌ای شکل نگرفته است.

نتایج تحقیق غفاری و نوایی (۱۳۸۸) تحت عنوان «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان»، نشان داده است که گستره و شعاع اعتماد در شهر کاشان در سطح متوسط قرار دارد و بین متغیرهایی از جمله مشارکت عینی، بده‌بستان‌های اجتماعی، احساس امنیت و خوش‌بینی با اعتماد اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی شهر ارومیه»، به این نتایج دست یافته‌اند که تعاملات اظهاری، تعهد اجتماعی، دگرخواهی، مقبولیت اجتماعی و احساس امنیت با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. طبق یافته‌های آنان، میزان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در سطح پایین گزارش شده است.

منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «اعتماد اجتماعی و تعیین کننده‌های آن: رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه‌محور؟؛ مورد مطالعه: شهر سبزوار»، به این نتایج دست یافته‌اند که بین متغیرهای تجربه تبعیض و فساد با اعتماد اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار و بین متغیرهای احساس امنیت اجتماعی و اعتماد نهادی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحقیق وثوقی و آرام (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)» نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای سن، احساس امنیت، رضایت از زندگی و ارزش‌های مشترک با میزان اعتماد اجتماعی می‌باشد.

کتابی و دیگران (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری» به این نتایج دست یافته‌اند که به جز اعتماد بنیادی و بین شخصی، میزان اعتماد در سایر انواع اعتماد مانند اعتماد عمومی، سیاسی، سازمانی و اعتماد به مشاغل به عنوان زیرشاخه‌های اعتماد اجتماعی، در حد متوسط و پایین‌تر از متوسط می‌باشد. طبق نتایج این تحقیق، بین متغیرهای احساس امنیت، دینداری، عملکرد دولت، قانون‌گرایی، احساس عدالت و وجود ارزش‌های اخلاقی در جامعه با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحقیق سبحانی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۹) تحت عنوان «بررسی میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان نسبت به صاحبان مشاغل و اصناف کشور»، نشان داده است که مردم به گروه‌های شغلی آموزشی، ورزشی و فرهنگی اعتماد بالایی دارند ولی به گروه‌های شغلی تجاری و بازرگانی و گروه‌هایی که با آنها مراودات اقتصادی و پولی دارند اعتماد خیلی پایینی دارند. طبق نتایج حاصل شده: در مجموع اعتماد مردم به گروه‌های شغلی پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است.



محسنی‌تبریزی و دیگران (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، به بررسی مقایسه‌ای اعتماد اجتماعی نسل‌های مختلف و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. براساس یافته‌های آن‌ها، اعتماد اجتماعی نسل‌ها از ارزیابی نسل‌ها نسبت به انسجام هنجاری و نهادی در جامعه و تجربه‌های نسلی متأثر می‌باشد. طبق نتایج حاصل شده، بیشترین میزان اعتماد در بعد اعتماد درون‌گروهی گزارش شده است و میانگین اعتماد به نهادها و سازمان‌ها نسبتاً پایین بوده است.

یافته‌های تحقیق عباس‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) تحت عنوان «اعتماد به دستگاه‌های اجرایی و عوامل مؤثر بر آن»، نشان داده است که همبستگی مثبت و معنی‌داری میان احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. طبق یافته‌های حاصل شده، هرچه میزان احساس انومی بالاتر باشد، از میزان اعتماد به دستگاه‌های اجتماعی نیز کاسته می‌شود. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده نشان داده است که افزایش کنترل و نظارت در جامعه باعث افزایش اعتماد به دستگاه‌های اجرایی می‌شود.

نتایج حاصل از تحقیق یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) تحت عنوان «بررسی رابطه بین احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان؛ مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه»، نشان داده است که بین ابعاد مختلف امنیت (احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت قضایی و احساس امنیت عمومی) با ابعاد اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته) همبستگی مستقیم وجود دارد.

شارع‌پور و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه بین‌کشوری اعتماد: جامعه‌محوری در مقابل نهاد محوری»، با استفاده از بانک اطلاعات‌های معتبر بین‌المللی نظیر بانک جهانی، خانه آزادی و پیمایش جهانی ارزش‌ها، به بررسی تطبیقی ۵۴ کشور از منظر زندگی انجمنی، کیفیت نهادها، سطح دموکراسی و دو صورت کلی اعتماد یعنی اعتماد نهادی و اعتماد فراگیر پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داده است که عملکرد نهادی اثر بیشتری بر اعتماد فراگیر و اعتماد نهادی دارد.

نتایج تحقیق حیدری (۱۳۹۳) تحت عنوان «بررسی تأثیر نحوه عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان؛ مورد مطالعه جوانان شهر یاسوج»، نشان داده است که رعایت قواعد و قوانین داخلی توسط مسئولین و مردم بیشترین تأثیر را بر میزان اعتماد نهادی پاسخگویان دارد. همچنین، نتایج این تحقیق حاکی از همبستگی مثبت بین عملکرد مناسب دادگاه‌ها با میزان اعتماد به نهادهای سیاسی و غیرسیاسی بوده است و همبستگی

متغیرهای میزان عدم پایبندی به قوانین، احساس افزایش جرایم اجتماعی و رواج پارتی‌بازی با هر دو نوع اعتماد منفی و معنی‌دار گزارش شده است.

ظهیری‌نیا و نیکخواه (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «سنجش میزان اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن»، به بررسی اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در بین مردم شهر بندرعباس پرداخته‌اند که براساس یافته‌های آن‌ها، میانگین اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر بندرعباس در حد متوسط و کمتر از آن گزارش شده است. به‌طور کلی، نتایج حاصل از این تحقیقات نشان داده است که میزان اعتماد اجتماعی در حد متوسط یا پایین‌تر از متوسط می‌باشد. همچنین، برآیند کلی تحقیقاتی که به‌نوعی به بررسی گستره و شعاع اعتماد پرداخته‌اند، نشان داده است اگرچه اعتماد بنیادی، بین شخصی یا خاص در میان پاسخگویان تا حدودی بالا بوده است، اعتماد عام یا تعمیم‌یافته که شامل اعتماد به شهروندان ناشناس و اعتماد نهادی می‌باشد، وضعیت مطلوبی ندارد و غالباً پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است.

### ۲-۳. تحقیقات خارجی

تارنوو<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در پژوهشی با استناد به مدل‌های آزمایشی و مطالعه‌ی انواع تعامل در گروه‌های مختلف نشان داده است که، افرادی که به پیروی از همسایگان و نزدیکان خود تشویق می‌شوند تعامل کمتری با گروه‌های بزرگ‌تر دارند. درحالی‌که پویایی گروه‌های بزرگ‌تر، اجازه تغییر نگرش بیشتری را به افراد می‌دهد. به عقیده‌ی وی، هنگامی که افراد تحت تأثیر افراد نزدیک به خود باشند، انعطاف‌ناپذیری آن‌ها بیشتر است. اما هنگامی که افراد به‌صورت تصادفی در یک گروه قرار می‌گیرند، از آنجایی که هزینه‌ی تغییر نظر فرد کمتر می‌شود، افراد می‌توانند انطباق بیشتری پیدا کنند.

اوسلانر (۲۰۰۱) در آمریکا تأثیر قاطع نابرابری بر کاهش اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد. دل‌هی و نیوتن (۲۰۰۵)، در بررسی تطبیقی اعتماد اجتماعی در ۶۰ کشور جهان به این نتیجه رسیده‌اند که مذهب، همگونی اجتماعی و عدم‌وجود شکاف‌های اجتماعی، ثروت اقتصادی، برابری اجتماعی و فقدان فساد از جمله عواملی هستند که سبب تقویت اعتماد اجتماعی می‌شوند.

1. Eugen tarnow

جونگ-سونگ (۲۰۰۵) در تحقیقی در کره جنوبی با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها، اثر نابرابری درآمد بر اعتماد اجتماعی را معنادار یافته است» (به نقل از شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۴).

بوترمان<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۲) با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از منطقه‌ای در شمال بلژیک که از ۳۰۸ جامعه‌ی محلی تشکیل شده است، بر این عقیده‌اند که نظم و انسجام در صورتی که بر یک توافق اصولی در میان مردم تکیه کنند باثبات و پایدار خواهند بود. به عقیده‌ی آن‌ها، در جوامع معاصر برای ایجاد انسجام باید بر بعد هنجاری تأکید بیشتری شود؛ بنابراین، افزایش تعامل بین اعضای یک جامعه باید براساس مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها که منجر به تعامل و همکاری می‌شوند، از جمله نگرش‌هایی مانند اعتماد عمومی و حس مشترک تعلق صورت بگیرد. به باور آن‌ها، جوامعی که دارای شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی بالاتری می‌باشند، از انسجام اجتماعی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. در مقابل، در جوامعی که از لحاظ ساختاری و فرهنگی دارای سرمایه‌های اجتماعی بیشتری می‌باشند، همکاری‌های اجتماعی با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. به عبارتی، هرچه شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد و هنجارهای تقابل و اعتماد در بین افراد گسترده‌تر باشد، جوامع از انسجام اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند. آن‌ها انسجام اجتماعی را در دو فرم مدرن و سنتی مورد بررسی قرار داده‌اند. به عقیده‌ی آن‌ها، انسجام اجتماعی مدرن به عواملی از جمله عدم وجود محرومیت‌های اجتماعی-اقتصادی بستگی دارد. صورت دوم انسجام که اشاره به فرم‌های سنتی‌تر جامعه دارد، به عواملی از جمله سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مذهبی (دینی) بستگی دارد.

#### ۴. فرضیه‌های پژوهش

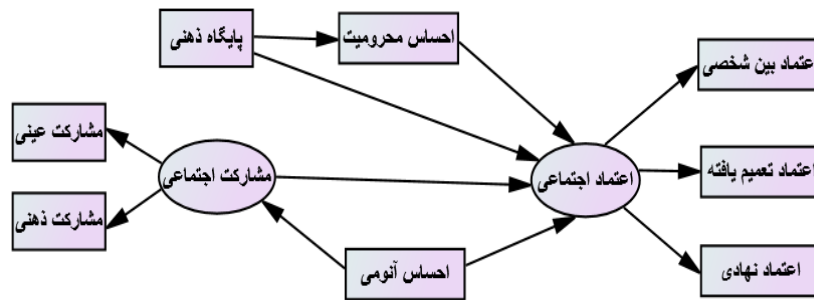
به نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی بر اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد.  
به نظر می‌رسد تصور ذهنی از پایگاه اجتماعی (پایگاه ذهنی) بر اعتماد اجتماعی اثرگذار است.

به نظر می‌رسد احساس انومی بر اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد.

به نظر می‌رسد احساس محرومیت بر اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد.

به نظر می‌رسد احساس انومی بر مشارکت اجتماعی اثر می‌گذارد.

به نظر می‌رسد تصور ذهنی از پایگاه اجتماعی (پایگاه ذهنی) بر احساس محرومیت اثر می‌گذارد.



شکل ۱: مدل تحلیلی پژوهش

## ۵. روش‌شناسی

تحقیق حاضر، از نظر معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. ابزار جمع‌آوری شده در این تحقیق پرسش‌نامه بوده است و واحد تحلیل نیز فرد می‌باشد.

جمعیت آماری در این تحقیق کلیه افراد ۱۵ سال به بالا در شهر دهدشت می‌باشند. براساس سالنامه‌ی آماری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۲، جمعیت کل شهر دهدشت ۵۶۲۷۹ نفر بوده است که از این تعداد ۴۵۸۸۶ نفر را افراد ۱۵ سال و بالاتر تشکیل می‌دهند.

برای تعیین حجم نمونه، براساس فرمول تعیین حجم کوکران و با سطح اطمینان ۱/۹۶، دقت برآورد  $d=0/05$  و حداکثر پراکندگی  $pq=0/25$ ، نمونه‌ای ۳۸۲ نفری انتخاب شده است. اما جهت افزایش اطمینان، نمونه‌ای ۴۰۰ نفری برای این تحقیق در نظر گرفته شده است. در پایان پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، اطلاعات مربوط به ۳۸۹ نفر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شیوه‌ی نمونه‌گیری به این صورت بوده است که، با استفاده از نقشه‌ی پستی شهر دهدشت، از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. براساس نقشه‌ی پستی، شهر دهدشت دارای ۴ گشت پستی می‌باشد که هر گشت دارای ۸ جزء پستی می‌باشد (در مجموع ۳۲ جزء پستی). بنابراین، از میان ۳۲ جزء پستی، ۵۰ درصد، یعنی ۱۶

جزء پستی انتخاب گردیده است. از آنجاکه مناطق مختلف این شهر تقریباً دارای بافت همگنی می‌باشند، نمونه‌ها به‌طور یکسان در گشت‌های پستی توزیع شدند. بدین‌صورت که، برای هر گشت پستی ۱۰۰ نمونه در نظر گرفته شده است. در ادامه و از آنجاکه برای هر گشت پستی ۴ جزء پستی در نظر گرفته شد، نمونه‌های موردنظر در هر گشت پستی به تعداد مساوی میان جزء‌های پستی توزیع شدند (هر جزء پستی ۲۵ نمونه). در آخرین مرحله، نقطه‌ای از بلوک‌های موجود در هر جزء پستی به‌صورت تصادفی تعیین و نمونه‌های موردنظر انتخاب گردیده است.

برای سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. بنابراین، نظر تنی چند از اساتید دانشگاه اساس کار قرار گرفت تا اعتبار صوری سؤالات سنجیده شود. در نهایت پس از اعمال نظرات پیشنهادی، ابزار سنجش مناسب کار تشخیص داده شد. به‌منظور تعیین میزان پایایی از شیوه‌ی آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ بنابراین، پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها، مطالعه‌ای مقدماتی بر روی نمونه‌ای ۳۰ نفری صورت گرفته است که مقدار آلفای متغیرها به این شرح به‌دست‌آمده است: اعتماد بین شخصی (۰,۷۱)، اعتماد تعمیم‌یافته (۰,۷۸)، اعتماد نهادی (۰,۷۲)، مشارکت اجتماعی (۰,۷۱)، پایگاه ذهنی (۰,۸۱)، احساس آنومی (۰,۷۲)، احساس محرومیت (۰,۸۶).

همچنین، جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها، داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و جهت پردازش داده‌ها از نرم‌افزارهای Sps22 و Amos Graphics23 استفاده شده است.

### تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی)

در جامعه‌شناسی مدرن، اعتماد را یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌دانند (بوما<sup>۱</sup> و بولت، ۲۰۰۸: ۱۵۵). اعتماد جزء اصلی سرمایه اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی شرط لازم برای یکپارچگی اجتماعی است. به عقیده‌ی له‌مان، اعتماد وسیله‌ای برای تبدیل دولت‌ها بزی، به چیزی خوشایندتر، کارآمدتر و در مجموع صلح‌آمیزتر است و زندگی اجتماعی بدون آن، به احتمال زیاد غیرقابل تحمل می‌باشد (نیوتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۲۰۲).

در برخی آثار از چهار نوع اعتماد نام برده‌اند: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی که نوع سوم و چهارم خصلتی انتزاعی و غیرشخصی (تعمیم‌یافته)

1. Tetske bouma  
2. Kenneth newton

دارند. اوزکان<sup>۱</sup> و بجرنسکوو<sup>۲</sup> اعتماد را به دو نوع، اعتماد بین شخصی یا خاص و اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته تقسیم کرده‌اند. به عقیده‌ی آنان، اعتماد را می‌توان به‌عنوان مکمل نهادهای رسمی در نظر گرفت و مکانیسمی است که هزینه‌ی معادلات و پیچیدگی‌های جامعه را کاهش می‌دهد و زمینه‌ساز توسعه انسانی می‌باشد (اوزکان و بجرنسکوو، ۲۰۱۱: ۷۵۴-۷۵۵).

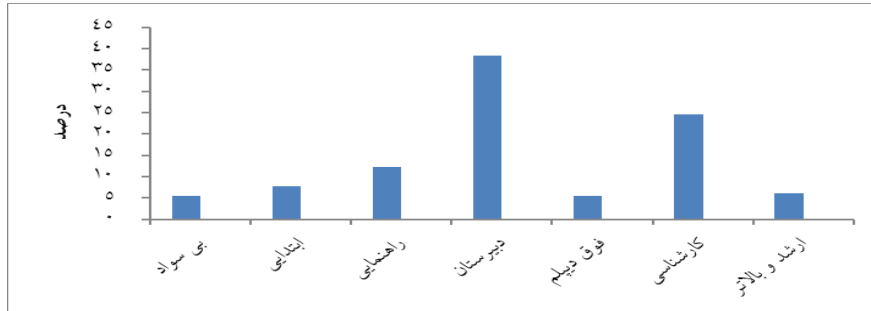
در این تحقیق، اعتماد اجتماعی در سه بعد: «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» یا اعتماد به غریبه‌ها و «اعتماد نهادی» تعریف عملیاتی شده است. در سنجش اعتماد خاص، در قالب طیف لیکرت، از گویه‌هایی استفاده شده است که میزان اعتماد افراد را به دوستان، آشنایان و خانواده نشان می‌دهد. اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به افراد غریبه و بیگانگانی که در شبکه‌های موجود در سطح فرافردی و فراتر از مرزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه‌ای جریان می‌یابد، می‌باشد و در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. برای سنجش اعتماد نهادی نیز در قالب طیف لیکرت، اعتماد افراد به سیزده سازمان و یا گروه که مردم با آن‌ها آشنایی و سروکار بیشتری دارند مورد سنجش قرار گرفته است.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. یافته‌های توصیفی

طبق یافته‌های تحقیق، دامنه‌ی سنی در گروه نمونه بین ۱۶ تا ۷۱ سال و میانگین سن پاسخگویان ۳۲،۴ می‌باشد. همچنین، ۵۹،۶ درصد کل پاسخگویان را مردان و ۴۰،۴ درصد پاسخگویان را زنان به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت تأهل پاسخگویان نیز به این صورت بوده است که، ۴۱،۴ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۸،۶ درصد پاسخگویان متأهل می‌باشند. نتایج حاصل از بررسی وضعیت تحصیلی افراد نیز در نمودار شکل (۲) نشان داده شده است.

1. Burcu ozcan  
2. Christian bjrnskov



شکل ۲: نمودار مربوط به وضعیت تحصیلی افراد

همچنین، دامنه‌ی درآمد در گروه نمونه بین ۱۵۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰۰ تومان، میانگین درآمد پاسخگویان ۹۶۵۹۲۵ تومان و انحراف معیار آن ۷۳۲۲۶۸٫۵ بوده است. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر وابسته و ابعاد آن و همچنین آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل نیز در جدول (۱) ثبت شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

آماره‌های توصیفی متغیرها	مشاهدات	میانگین	واریانس	انحراف معیار	مقدار کمینه	مقدار بیشینه	حداکثر نمره ممکن
اعتماد اجتماعی	۳۸۹	۲٫۶۶	۰٫۲۰	۰٫۴۵	۱٫۴	۳٫۸۷	۵
اعتماد بین شخصی	۳۸۹	۳٫۰۸	۰٫۸۱	۰٫۹۰	۱	۵	۵
اعتماد تعمیم‌یافته	۳۸۹	۲٫۲۸	۰٫۲۰	۰٫۴۵	۱٫۲	۳٫۴	۵
اعتماد نهادی	۳۸۹	۲٫۶	۰٫۵۴	۰٫۷۴	۱	۴٫۴	۵
مشارکت اجتماعی	۳۸۹	۲٫۹	۰٫۳۲	۰٫۵۷	۱٫۵	۴٫۵۴	۵
احساس انومی	۳۸۹	۳٫۹	۰٫۳۳	۰٫۵۸	۱٫۸۸	۵	۵
احساس محرومیت	۳۸۹	۲٫۹۵	۰٫۸۱	۰٫۹۰	۱	۵	۵
پایگاه ذهنی	۳۸۹	۲٫۶	۰٫۴	۰٫۶۳	۱	۴	۵

همان‌طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، میانگین اعتماد اجتماعی در میان کل پاسخگویان ۲٫۶۶ به دست آمده است. از آنجاکه گویه‌های اعتماد اجتماعی در قالب طیف لیکرت از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شده است، با توجه به میانگین به دست آمده و حداکثر نمره‌ی ممکن (۵)، میزان اعتماد اجتماعی در جامعه‌ی موردنظر پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. همچنین، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین اعتماد اجتماعی در بعد «اعتماد بین شخصی» بالاتر از دو بعد دیگر اعتماد می‌باشد. به طوری که، میانگین «اعتماد بین شخصی» بالاتر از حد متوسط ولی «اعتماد تعمیم‌یافته» و «اعتماد نهادی» پایین‌تر از حد متوسط

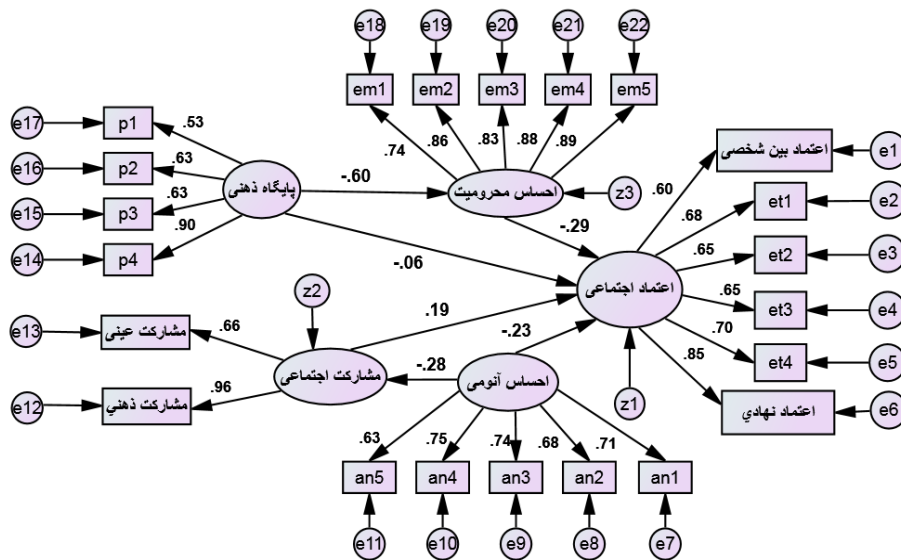
می‌باشند.

همچنین، نتایج به‌دست‌آمده نشان داده است که میانگین احساس محرومیت در حد متوسط، میانگین احساس آنومی بالاتر از حد متوسط و میانگین مشارکت اجتماعی و پایگاه ذهنی پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. یعنی افراد مورد مطالعه به لحاظ ذهنی خود را جزء طبقه‌ی محروم جامعه (پایین‌تر از حد متوسط) می‌دانند، احساس می‌کنند که جامعه‌ی آن‌ها دچار حالت آنومی و آشفتگی می‌باشد و در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی نیز مشارکت بالایی ندارند (یا اینکه تمایل به مشارکت ندارند).

در زمینه‌ی احساس محرومیت، نتایج نشان داده است که احساس محرومیت در حد متوسط می‌باشد. از آنجاکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر احساس محرومیت «مقایسه‌ی اجتماعی» و اینکه افراد معمولاً خود را با نزدیکان خود مقایسه می‌کنند، شرایط جامعه‌ی مورد نظر و اینکه به‌طور کلی بسیاری از افراد از وضعیت مشابهی برخوردار می‌باشند، می‌تواند بر متغیر مورد نظر تأثیرگذار بوده باشد.

### یافته‌های استنباطی

مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری متغیرهای تحقیق:



شکل ۳: مدل ساختاری تحقیق به همراه ضرایب مسیر



مدل ساختاری تدوین شده که در شکل (۳) نشان داده شده است، شامل چهار مدل عاملی مرتبه‌ی اول جهت اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و یک مدل عاملی مرتبه‌ی اول مربوط به متغیر وابسته می‌باشد که تبیین‌کننده‌ی واریانس سه عامل فرعی «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» و «اعتماد نهادی» است<sup>۱</sup>. در مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری پس از تدوین مدل‌های مختلف، جهت برازش مدل از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها، شاخص‌های برازش مطلق، شاخص‌های برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش مقتصد می‌باشند (قاسمی، ۱۳۹۲؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۵۴).

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده که در جدول (۲) نیز نشان داده شده است، شاخص‌های کلی برازش عمدتاً در دامنه‌ی قابل‌قبولی قرار دارند و حاکی از تأیید مدل تدوین شده می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، این مدل نشان می‌دهد که داده‌های تجربی تحقیق می‌توانند تا حدودی با نظریه‌ها پوشش داده شوند و به لحاظ اعتبار و قابلیت اعتماد مورد تأیید می‌باشند.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل‌های عاملی تأییدی، و مدل ساختاری تحقیق

RMSEA	CMIN/df	CFI	TLI	P	CMIN	نوع شاخص
۰,۰۸-۰,۰۰	۵ تا ۱	۱-۰,۹	۱-۰,۹	-	-	دامنه قابل قبول
۰,۰۲	۱,۲	۱	۱	۰,۳۲	۳,۵	اعتماد بین شخصی
۰,۰۰۰	۰,۹۲	۱	۱	۰,۴۰	۱,۸۴	اعتماد تعمیم‌یافته
۰,۰۳	۱,۳	۱	۱	۰,۲۴	۹,۱۳	اعتماد اجتماعی
۰,۰۷	۲,۸	۰,۹۹	۰,۹۷	۰,۰۶	۸,۳	پایگاه ذهنی
۰,۰۴	۱,۶	۰,۹۹	۰,۹۷	۰,۱۲	۱۲,۸	احساس انومی
۰,۰۴	۱,۷	۱	۰,۹۹	۰,۱۵	۶,۸	احساس محرومیت
۰,۰۵	۱,۸	۰,۹۹	۰,۹۷	۰,۱۱	۹	مشارکت عینی
۰,۰۵	۱,۸	۱	۰,۹۹	۰,۰۹	۱۲,۵	مشارکت ذهنی
۰,۰۷	۲,۹	۰,۹۱	۰,۸۹	۰,۰۶	۷۷	مدل ساختاری

مدل‌های عاملی اندازه‌گیری (سازه‌ها)

### بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی بر اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد. با استفاده از ضرایب گامای به‌دست‌آمده و سطح معناداری آن (۰,۰۰۱) می‌توان گفت مشارکت

۱. گویه‌های «اعتماد بین شخصی» و «اعتماد نهادی» به‌دلیل زیاد بودن گویه‌ها و پیچیدگی مدل به‌صورت کامپیوت شده و در قالب یک متغیر آشکار وارد مدل شده‌اند اما گویه‌های مربوط به اعتماد تعمیم یافته به‌صورت مستقیم وارد مدل شده‌اند.

اجتماعی بر اعتماد اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی هرچه افراد مشارکت اجتماعی بالاتری داشته باشند از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند. فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد تصور ذهنی از پایگاه اجتماعی (پایگاه ذهنی) بر اعتماد اجتماعی اثرگذار است.

طبق نتایج به‌دست‌آمده که در شکل (۲) نیز نشان داده شده است، پایگاه ذهنی به‌صورت مستقیم اثر معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی نشان نداده است اما به‌صورت غیرمستقیم و از طریق احساس محرومیت بر اعتماد اجتماعی اثر منفی نشان داده است. یعنی افرادی که به لحاظ ذهنی خود را دارای پایگاه اجتماعی پایینی می‌دانند و احساس محرومیت نزد آن‌ها بالا است، از اعتماد اجتماعی پایینی برخوردارند. اثر کل پایگاه ذهنی بر اعتماد اجتماعی ۰,۱۱ به‌دست‌آمده است

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد احساس آنومی بر اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد. طبق نتایج حاصل از تحقیق، احساس آنومی اثر منفی و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی نشان داده است. یعنی احساس آنومی منجر به کاهش میزان اعتماد اجتماعی در افراد می‌شود.

فرضیه‌ی چهارم: به نظر می‌رسد احساس محرومیت بر اعتماد اجتماعی اثرگذار است.

نتایج تحقیق که در شکل (۲) نیز نشان داده شده است، حاکی از آن است که احساس محرومیت اثر منفی و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی دارد. یعنی افرادی که احساس محرومیت بالاتری داشته باشند، از اعتماد اجتماعی پایین‌تری برخوردارند. فرضیه‌ی پنجم: به نظر می‌رسد احساس آنومی بر مشارکت اجتماعی اثر می‌گذارد.

طبق نتایج به‌دست‌آمده، احساس آنومی اثر منفی و معنی‌داری بر مشارکت اجتماعی نشان داده است. همچنین، احساس آنومی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق مشارکت اجتماعی، بر اعتماد اجتماعی اثر منفی و معنی‌داری نشان داده است. یعنی هرچه افراد شرایط را ناهنجارتر تصور کنند مشارکت اجتماعی کمتر و در نتیجه اعتماد اجتماعی پایین‌تری دارند. همچنین، اثر کل احساس آنومی بر روی اعتماد اجتماعی ۰,۲۸- به‌دست‌آمده است.

فرضیه‌ی ششم: به نظر می‌رسد تصور ذهنی از پایگاه اجتماعی (پایگاه ذهنی) بر احساس محرومیت اثر می‌گذارد.

همان‌طور که در شکل (۲) نیز نشان داده شده است، پایگاه ذهنی بر احساس محرومیت اثر منفی بالایی دارد. یعنی افرادی که خود را به لحاظ ذهنی دارای پایگاه اجتماعی پایین‌تری می‌دانند، احساس محرومیت بالاتری دارند. همچنین، همان‌طور که ذکر آن رفته است، افرادی که خود را دارای پایگاه اجتماعی پایین‌تری می‌دانند و احساس محرومیت نیز نزد آن‌ها بالا می‌باشد، از اعتماد اجتماعی پایین‌تری نیز برخوردارند.

در مجموع، متغیرهای وارد شده در مدل ۰,۱۸ از واریانس اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اعتماد جزء اصلی سرمایه‌ی اجتماعی است و با توجه به نقشی که در مشروعیت سیاسی، نظم اجتماعی و همبستگی بازی می‌کند، خمیرمایه‌ی هر جمع پایدار و توسعه‌یافته‌ای است. در مقابل، بی‌اعتمادی سرچشمه‌ی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است و پیامدهای منفی زیادی را به دنبال دارد. در جوامع جدید، برخلاف جوامع سنتی که دایره‌ی اعتماد اغلب محدود به خودی‌ها، خانواده و گروه‌های محلی می‌باشد، گسترش شعاع اعتماد فراتر از دوستان، خویشان و آشنایان، تعامل با کنشگران ناآشنا، و اعتماد به نهادها، سازمان‌های انتزاعی و ساختارهای غیرشخصی، می‌تواند زمینه‌ی خودآگاهی افراد و توجه به ارزش‌های عام را فراهم کند.

در تحقیق حاضر، اعتماد اجتماعی در سه بعد «اعتماد بین‌شخصی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» یا اعتماد به غریبه‌ها و «اعتماد نهادی» تعریف عملیاتی شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ی تحقیق نشان داده است میزان اعتماد اجتماعی در جامعه‌ی مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد و میانگین اعتماد بین شخصی بیشتر از اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی می‌باشد. به عبارتی، شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون‌گروهی الگوهای رفتاری بسیاری از افراد را تعیین می‌کنند و پاسخگویان از اعتماد عام یا تعمیم‌یافته‌ی پایینی برخوردار می‌باشند.

طبق نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها، مشارکت اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری بر اعتماد اجتماعی نشان داده است. یعنی هرچه افراد مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند، از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند.

افزایش مشارکت اجتماعی می‌تواند به بهبود آشنایی افراد با حقوق شهروندی، نزدیکی فیزیکی و فکری افراد به یکدیگر، کاهش فاصله‌های اجتماعی، افزایش روحیه‌ی تساهل و مدارا، رشد آگاهی‌های جامعه‌ای و در نتیجه گسترش شعاع اعتماد منجر شود. بنابراین، با فراهم کردن زمینه‌های مشارکت و گسترش تعاملات اجتماعی می‌توان به گسترش شعاع اعتماد کمک کرد، و لازم است که در سیاست‌گذاری‌های عمومی مقوله‌ی مشارکت اجتماعی، توجه به شکل‌ها و اصناف، سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد و... با جدیت بیشتری لحاظ گردد.

همچنین، طبق نتایج تحقیق، میانگین احساس انومی در جامعه‌ی مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط بوده و هرچه افراد احساس انومی بیشتری داشته باشند، از اعتماد اجتماعی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. احساس انومی همچنین بر مشارکت اجتماعی تأثیرگذار بوده و از این طریق نیز به صورت غیرمستقیم بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است.

از آنجا که احساس ناهنجاری می‌تواند فهم مشترک افراد از مسائل اجتماعی را پایین بیاورد، هنجارهای اساسی جامعه کمتر توسط افراد رعایت می‌شوند که خود می‌تواند موجبات بدبینی، سرخوردگی، کاهش مشارکت‌های اجتماعی و کاهش اعتماد را به دنبال داشته باشد.

احساس انومی می‌تواند ناشی از ناکارآمدی سیاست‌های عمومی و عدم کارایی نظام‌های انتظام‌بخش باشد. در چنین شرایطی، افراد برای جبران ناکارآمدی‌ها، به راه‌های غیرقانونی متوسل می‌شوند که خود ناهنجاری‌های بیشتر و پیامدهای منفی زیادی از جمله رواج بی‌اعتمادی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، با بهبود عملکرد نهادهای مسئول می‌توان ناهنجاری‌ها را مدیریت و به افزایش اعتماد اجتماعی به خصوص اعتماد نهادی کمک کرد.

طبق یافته‌های تحقیق، هرچه افراد بیشتر احساس محرومیت کنند، از اعتماد اجتماعی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. همچنین، افرادی که خود را به لحاظ ذهنی دارای پایگاه اجتماعی پایینی می‌دانند (پایگاه ذهنی)، احساس محرومیت در میان آن‌ها بالاتر بوده و از اعتماد اجتماعی کمتری برخوردار می‌باشند؛ بنابراین، با ایجاد فرصت‌های برابر در زمینه‌های مختلف تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی و غیره، می‌توان به ایجاد احساس عدالت در میان اقشار مختلف جامعه و در نتیجه به افزایش اعتماد اجتماعی نزد آن‌ها کمک کرد.

## منابع

- اوجاقلو، سجاد و زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۴). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۴)، ۹۲-۱۲۵.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم (۱۳۹۴). پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- حسینی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی (مطالعه‌ی موردی شهر بابل)»، معرفت، ۱۹(۱۵۱)، ۳۱-۴۲.
- حیدری، آرمان. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نحوه‌ی عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان (مورد مطالعه جوانان شهر یاسوج)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۲(۱)، ۷۷-۱۰۶.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ فعلی، جواد و قبادی، محترم. (۱۳۸۹). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی ایرانیان نسبت به صاحبان مشاغل و اصناف کشور» *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱(۱)، ۳۳-۶۱.
- شارع‌پور، محمود؛ محمد فاضلی و اقراریان، الهه. (۱۳۹۱). «مطالعه‌ی بین‌کشوری اعتماد؛ جامعه‌محوری در مقابل نهادمحوری»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳(۴)، ۶۰-۸۹.
- ظهیری‌نیا، مصطفی و نیکخواه، هدایت‌الله. (۱۳۹۴). «سنجش میزان اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۶(۱)، ۱۲۵-۱۶۱.
- عباس‌زاده، محمد؛ علی‌زاده اقدم، محمدباقر و اسلامی، رضا. (۱۳۹۰). «اعتماد به دستگاه‌های اجرایی و عوامل مؤثر بر آن» *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ شماره پیاپی (۴۱)، شماره اول: ۸۳-۱۰۶.
- غفاری، غلامرضا و نوایی، میثم. (۱۳۸۸). «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان» *دانشنامه‌ی علوم اجتماعی*، ۱(۲): ۲۰۷-۲۳۱.
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۲). «مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- قاسمی، وحید؛ آذربایجانی، کریم؛ ادیبی‌سده، مهدی و توکلی، خالد. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی در استان‌های ایران»، *راهبرد*، ۲۰(۵۹)، ۲۴۳-۲۷۰.
- قدیمی، مهدی. (۱۳۸۶). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، *پژوهشنامه‌ی علوم انسانی*، ۵۳، ۳۲۵-۳۵۶.
- کتابی، محمود؛ ادیبی‌سده، مهدی؛ قاسمی، وحید و صادقی‌ده‌چشمه، ستار. (۱۳۸۹). «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۴۰)، شماره چهارم، ۹۷-۱۲۲.
- کریمی، علیرضا. (۱۳۹۴). «وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی در کشور»، به سفارش شورای اجتماعی کشور، تهران: وزارت کشور، مرکز ملی رصد اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.

- له‌مان، جنیفر. (۱۳۸۵). *ساخت‌شکنی دورکیم (نقدی پسا پسا ساختارگرایانه)*، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا؛ معیدفر، سعید و گلابی، فاطمه. (۱۳۹۰). «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۱)، شماره اول، ۴۱-۷۰.
- معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸). «اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ مطالعه‌ی موردی شهر ارومیه»، *دانش‌نامه علوم اجتماعی*، ۱(۱)، ۴۷-۶۷.
- منصوریان، محمدکریم و قدرتی، حسین. (۱۳۸۸). «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲، ۱۸۹-۲۱۵.
- وٹوقی، منصور و آرام، هاشم. (۱۳۸۸). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)»، *پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۳۳-۱۵۳.
- یاری، حامد و هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه‌ی احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه‌ی موردی ساکنان شهر کرمانشاه)»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱(۴)، ۳۹-۵۸.
- Özcan, B., & Bjørnskov, C. (2011). "Social trust and human development". *The Journal of Socio-Economics*, 40(6), 753-762.
- Tarnow, E. (1996). "Like water and vapor—conformity and independence in the large group". *Behavioral Science*, 41(2), 136-150.
- Bouma, J., Bulte, E., & van Soest, D. (2008). "Trust and cooperation: Social capital and community resource management". *Journal of environmental economics and management*, 56(2), 155-166.
- Kenneth, N. (2001). "Social capital, civil society, and democracy", *International political science review*, vol 22, no 2, 201-214.
- Botterman, S., Hooghe, M., & Reeskens, T. (2012). "One size fits all"? An empirical study into the multidimensionality of social cohesion indicators in Belgian local communities". *Urban Studies*, 49(1), 185-202.